



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۴/۱۹/۲۰۲۲

محمد صالح گردش

شیر و شکر^۱

از پدر مادر (بابایم) شنیده بودم که می‌گفت: «پشتو و پارسی، شیر و شکر اند و وقتی پارسی زبانی، پشتو سخن گوید بسیار لذت بخش و شیرین است.» من که در خانه پدر و مادر پارسی و محیط پارسی زبان بزرگ گردیدم و ازین که از محیط و زبان پشتو به دور بوده‌ام به زبان و ادبیات پشتو آگاهی زیاد ندارم؛ ولی باز هم آن قدر نادان زبان پشتو نیستم و می‌توانم در مواقع ضرورت با این زبان رفع نیاز نمایم. زمانی که دست به تحقیقات زبان های کهن در پیوند با زبان های امروزی و ملی کشور زدم، از یک جهت دیگر نیز متوجه شیر و شکر بودن این دو زبان گردیدم. در نوشته ها و مقالات خود بارها از موجودیت بعضی کلمه ها و کلمات زبان های پارسی قدیم، اوستایی و پهلوی در زبان پشتو یادآور شده‌ام که امروز در زبان پارسی کاربرد ندارند ولی می‌توان آن کلمه ها را به قوت ادبی گذشته و یا با کمی تغییر در زبان پشتو پی‌گیری نمود. چنین کار های من سبب آزرده‌گی و دل رنجی بعضی متعصبین پارسی خواه، یعنی هم تباران و هم زبانانم که تمام افتخارات تاریخی، فرهنگی و حتا اساطیری این خطه را از آن قوم و تبار خود می‌دانند، گردیده است؛ ولی من به چنین تنگ نظری ها واقعی نگذاشته‌ام و به راه خود همچنان بدون عصبیت های قومی، تباری و زبانی ادامه داده‌ام و نتایج را واگذار می‌کنم به آینده و اصالت داران واقعی فرهنگ اصیل این سرزمین.

در این جا از یک کلمه دیگر زبان پارسی که در گذشته کاربرد داشته و امروز در زبان پارسی چندان کار برد ندارد، یاد آور می‌گردم و آن کلمه «بیغاره» (بیغاره) است. این کلمه در صحاح الفرس به معنی، طعنه و سرزنش و ملامت آمده و یک بیته از شعرای کلاسیک زبان پارسی به نام «بدایعی» در زمینه شاهد آورده شده و آن بیت این است:

بیغاره زنی که بد چرا کردی- گر بد کردم بخویشتن کردم

بیغاره (بیغاره) همان کلمه ایست که حالا نیز در زبان پشتو به هیئت «پیغور» موجود و استعمال می‌گردد ولی در زبان پارسی به ویژه در ادبیات نوشتاری کاربرد ندارد.

پشتون ها که یک شاخه بزرگی از نژاد آریایی اند، ریشه نخست کلمه ترکیبی پختون و هم کلمه افغان، بغ (پک، بگ) به معنی بزرگ و خداوند است، ریک (واژه افغان و سرزمین سلیمان، صص ۱۰۲-۹۳ همین قلم) حتا می‌توان این ریشه را در کلمه «بُخدی»- در اصل شاید بخدی- یکی از نام های قدیم سرزمین بلخ باستان رد یابی نمود، چنان که در یکی و دو از نوشته های دیگرم یادآور گردیده‌ام که به طرف غرب شهر بلخ ناحیه ایست به نام «بختی شاه» که در آن ناحیه و قریه، تپه بزرگی موجود و یادآور گذشته های دور تر از بناهای قدیم شهر بلخ امروزی خواهد بود. ر.ک: (در معنی چند واژه اوستایی و پهلوی. صص ۸۶-۸۷) این را به خاطری یاد آور گردیدم که بعضی ها فکر می‌کنند سکونت گاه اولیه پشتون ها کوه های سلیمان بوده است و در اماکن دیگر این خطه نشان زیستی ندارند.

همین گونه رد پای پارسیان را نیز می‌توان در سرزمین پکتیا که بعد ها مؤرخین زبان پشتو ریشه کلمه پشتون (پختون) را برخاسته از اسم این محل دانسته‌اند، پی‌گیری نمود. بنا به نوشته هرودوت مورخ یونانی بر علاوه قومی به نام پکتیس (پکت ها، پختون ها)، در سرزمین پکتیا از موجودیت دادیک ها که به نظر این قلم یاد آور قوم قدیم «تات» که در اصل باشندگان دامنه های جنوبی کوه های قفقاز که مردم آریایی تبار بوده‌اند و هم «پاریتی ها» (افریدی های امروزی) که یاد آور قوم پارت های قدیم است، یاد نمود.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنېنت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له اریولو مخکې په خیر و لولئ

من از متعصبین هم‌تبار و هم‌زبان خود نسبت به زبان پشتو متنفرام و این به‌معنی آن نیست که از متعصبین و متحجرین زبان پشتو نسبت به‌زبان پارسی خوشم می‌آید؛ زیرا از این دو کتله که دم از روشن‌فکری و روشن‌نگری هم می‌زنند و هر کدام به‌طور جداگانه خود را وارث اصیل و بی‌چون و چرای تاریخ این سرزمین می‌دانند و در سال‌های اخیر این تفرقه افغان به‌دور محور چند رهبری که جز منافع شخصی آرمان فراتری ندارند، حلقه بسته و سود جسته‌اند، سخت گریزانم.

من من‌حیث یک پارسی زبان هیچ‌گاه از کاربرد کلمه های پوهنتون و پوهنحی در زبان پارسی عصبیت ندارم و حتا کار برد چنین کلمه ها را که ریشه های مشترک در گذشته فرهنگ زبانی ما دارد افتخار نیز می‌کنم و همان‌گونه از برادران پشتون خود نیز خواسته‌ام تا از به‌کار گیری کلمه های چون دانشگاه و دانش‌کده حساسیت نشان ندهند. ر.ک: (ریشه واژه های پوهنتون و دانشگاه، همین قلم) در این‌جا می‌افزایم که من‌حیث یک پارسی زبان در نوشته های خود در آینده به‌جای کلمه های طعن و طعنه که از ریشه زبان عرب است، کلمه پیغور را که ریشه به‌زبان کهن مردم این خطه خواهد داشت، به‌کار خواهم برد و از دیگرانی که در همچو موارد با من توافق نظر دارند نیز می‌خواهم تا چنان کنند.

پایان

منابع

- ۱ گردش، محمد صالح. ریشه و معنی واژه اوستا. مزار شریف: مطبعه صورتگر، زمان چاپ ۱۳۹۷، صص ۱۳۶-۱۳۹
- نجوانی، محمد بن هندوشاه. صحاح الفرس (فرهنگ لغات فارسی از قرن هشتم هجری) به اهتمام دکتور عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۵
- گردش، محمد صالح. واژه افغان و سرزمین سلیمان. مزار شریف: مطبعه سید هاشم، ۱۳۸۵
- گردش، محمد صالح. چند واژه در ابیات رودکی. مزار شریف: مطبعه صورتگر، حمل ۱۳۸۹
- گردش، محمد صالح. در معنی چند واژه اوستایی و پهلوی. مزار شریف: مطبعه صورتگر، چاپ اول ۱۳۹۳ خورشیدی